

در دولت قبل، کنار گذاشتن چینی‌ها بعد از توافق برجام منجر به ایجاد کدورت برای این کشور شد. با توجه به همین دلخوری که ایجاد شده، به همین دلیل احتمالاً چین در خصوص اجرایی کردن همکاری‌های ۲۵ ساله برخی از بندهای کم‌ریسک و حاشیه‌ای را در سرفصل مراودات خود قرار خواهد داد

نگاه ویژه دولت سیزدهم به شرق آسیا بخصوص کشور بزرگ چین باعث شد تا چینی‌ها نیز نگاه ویژه‌ای به ایران داشته باشند. حالا دیگر از بی‌احترامی به چینی‌ها خبری نیست. دولت‌های یازدهم و دوازدهم رفته‌اند و دولتی سر کار آمده که معتقد به تعامل گسترده با شرق آسیا بخصوص چین است. مهرداد علیپور که پژوهشگر مطالعات ایران و چین است و مدتی هم دبیر میز شرق آسیای پژوهش‌گه تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده می‌گوید چینی‌ها به خاطر رفتار بسیار بد دولت قبل از دولت‌مردان ما دلخورند. آنها در تحریم‌ها به ما کمک کردند و توقع نداشتند که دولت قبل بعد از برجام با آنها چنین رفتاری داشته باشد.

امریکا در تلاش است با فشار آوردن به چین، فروش نفت ایران را به پایین‌ترین حد برساند. سؤال اول این است که آیا ایران از کانال‌های رسمی نفت را به فروش می‌رساند که امریکا بتواند آنها را ردیابی کرده و تحت فشار قرار دهد؟ و علاوه بر آن ایران با تجربیاتی که در زمینه دور زدن تحریم‌ها در فروش نفت کسب کرده است، فروش نفت آن باز هم قابل ردیابی است؟

درباره بحث انرژی و نوع مراودات انرژی جمهوری اسلامی ایران و چین ملاحظات بسیاری وجود دارد. طبیعتاً فروش نفت ایران به چین تا قبل از خروج ایالات متحده از برجام روند مثبتی داشت و به علت اینکه همه بخش‌های آن مشخص بود قابلیت ردیابی و کنترل نیز بود. اما پس از خروج امریکا از برجام، با توجه به اینکه انتقال نفت به چین از شبکه‌های غیررسمی صورت می‌گیرد قابل ردیابی و کنترل نیست.

یکی از فوایدی که تحریم‌ها برای ایران داشت، این بود که کانال‌های مختلفی را برای فروش و عرضه منابع انرژی و برای بازگشت ارزش ناشی از صادرات آن پیدا کرده‌ایم. بنابراین به صفر رساندن فروش نفت ایران به چین با فشار امریکا تنها لفاظی سیاسی از سوی امریکایی‌هاست، چرا که اگر این کشور توانایی انجام چنین کاری را داشت تاکنون چندین بار آن را انجام داده بود. زیرا از اهمیت مقوله فروش انرژی در ایران، بخصوص در رابطه با چین مطلع است و اگر می‌توانست از آن به

عنوان یک اهرم فشار در رابطه با ایران استفاده می‌کرد. اما شواهد نشان می‌دهد، انجام این کار تاکنون برای امریکا مقدور نبوده است. تا یک دهه قبل از فشارهای حداکثری غرب، دو کشور ایران و عربستان بیشترین صادرات انرژی را به چین داشتند. اما با توجه به تحریم‌هایی که علیه جمهوری اسلامی وضع شد عملاً ایران در رده کشورهای پنجم به بالا قرار گرفته که نسبت به گذشته نفت کمی به چین می‌فروشد.

چین نیز با توجه به سیاست‌هایی که نسبت به تأمین منابع انرژی خود دارد؛ در حال حاضر امارات و عراق را به عنوان کشورهای جایگزین مد نظر قرار داده است. در واقع این کشور با این کار کسری واردات انرژی خود را در نبود ایران از این دو کشور جبران می‌کند. در حال حاضر امارات و عراق تبدیل به کشورهایی شده‌اند که علاوه بر عربستان در حوزه انرژی بیشترین همکاری را در حوزه غرب آسیا با چین دارند. بنابراین جزو کشورهای مهم غرب آسیا برای چین به شمار می‌روند.

برخی تحلیلگران غربی که اتفاقاً نزدیک به دولت امریکا هستند، در فضای رسانه‌ای چنین شایع کرده‌اند، که چین قصد دارد ایران را از سید انرژی خود حذف کند؟ تحلیل شما چیست؟

به نظر من چین قصد انجام چنین کاری را ندارد. زیرا تاکنون و در اوج فشارهای تحریمی هیچ گاه فروش نفت ایران به این کشور صفر نشد که این خود حاوی پیام‌های متعددی می‌باشد که یکی از آنها این است که چین با وجود فشارها و درخواست‌هایی که از آن شده بود و با وجود قرارگیری در شرایط سخت، واردات انرژی از ایران را به صفر نرساند.

در خصوص توافق هسته‌ای برجام باید بگوییم؛ یکی از سناریوهای مختلفی که در خصوص توافق هسته‌ای وجود دارد، مربوط به عدم احیای توافق می‌شود. اگر چنین شرایطی ایجاد شود احتمالاً چین تعامل گزینشی را با جمهوری اسلامی ایران در پیش خواهد گرفت. بنابراین ممکن است در صورت عدم احیای برجام، خرید نفت از جمهوری اسلامی ایران را تا میزان قابل توجهی کم کند اما هیچ‌گاه آن را به صفر نمی‌رساند و روند صادرات نفت به همین میزانی که الان وجود دارد، همچنان ادامه خواهد داشت.

با توجه به کم‌کاری‌هایی که دولت سابق نسبت به چین